

است. به عنوان مثال، نیروهای حافظ صلح اتحادیه آفریقا که بودجه آنها توسط اتحادیه اروپا تأمین می‌شد سهم عمده‌ای در پایداری سازی سوماتری داشتند و نیروهای نظامی غرب آفریقا فرانسه را در مالی پشتیبانی کردند. اما در مواردی اهدافی راهبردی را پیگیری کرده‌اند که با منافع اروپا در تقابل است. به عنوان مثال، اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۱۱ به شدت از سیاست اروپا در قبال لیبی انتقاد کرد و اتحادیه عرب، که در بحران سوریه در اواخر سال ۲۰۱۱ و اوایل سال ۲۰۱۲ با حمایت اتحادیه اروپا درگیر بود، وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف عربستان سعودی و متحدان در خنثی کردن تلاش‌های سازمان ملل برای رسیدن به صلح در ۲۰۱۲ شد. در همسایگی شرقی، روسیه با طرح‌های خود را برای ایجاد "اتحادیه اوراسیایی" که شامل کشورهای شوروی سابق می‌شود در حال گرداندن مدل اروپایی علیه اتحادیه اروپاست.

به عبارت دیگر، قدرت نرم اروپا، در جهانی که در آن دیگر مناطق و قدرت‌ها

اروپا این فرض که مردم می‌خواهند مانند ما بشوند مشکل‌ساز شده است. در عصر گسترش، اتحادیه اروپا با استفاده تمایل دیگران برای عضویت در آن می‌توانست سیاست‌های کشورهای همسایه خود را شکل دهد. این اتحادیه هنوز هم تاحدودی می‌تواند از این اهرم برای تعداد انگشت شماری از کشورها در بالکان غربی مانند صربستان استفاده کند. وعده روابط نزدیک‌تر با اتحادیه اروپا هنوز هم ممکن است بر برخی از کشورهای باشگاه پس از شوروی مانند مولداوی و اوکراین اثر کند. اما اتحادیه اروپا برای به دست آوردن نفوذی بر همسایگان خود در شمال آفریقا و خاورمیانه با سختی مواجه است و این در حالی است که حتی جمهوری‌های سابق شوروی مانند بلاروس و ازبکستان در برابر فریبندگی اتحادیه اروپا مقاومت کرده‌اند.

تضعیف قدرت نرم اروپا همچنین نتیجه "رقابت قدرت نرمی" است که اروپا به طور فزاینده‌ای در میان همسایگان خود با آن مواجه است. در خاورمیانه، رقابتی برای نفوذ بیشتر بین عربستان سعودی، قطر، ترکیه و ایران در جریان است. در حالی که در سوریه، این جنگ سرد به جنگی نیابتی از طریق کمک‌های مالی میلیارد دلاری و سیاست فرقه‌ای یا مذهبی‌گرایانه تبدیل شده است. در همسایگی شرقی، اتحادیه اروپا با رقابتی ژئوپلتیکی از سوی روسیه مواجه است. در جاهای دیگر دنیا به طور فزاینده‌ای با چین در حال رقابت است.

افزایش فعالیت سازمان‌های منطقه‌ای فراتر از اروپا مانند اتحادیه آفریقا و اتحادیه عرب گاهی اوقات به لحاظ

راهبردی به سود اتحادیه اروپا بوده

یا غیرنظامی، نیاز به درک درستی از موقعیت راهبردی دارد. به طور خاص، رهبران اروپایی باید بر روی شش معضلی متمرکز شوند که سند سال ۲۰۰۳ راهبرد امنیتی اروپا در ارائه پاسخ به مشکلات امروز اروپا با آنها مواجه است.

## قدرت نرم در عصر بیداری سیاسی جهانی

ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که زیگیو برژینسکی آن را "بیداری سیاسی جهانی" نامیده است و توانایی نخبگان مسن‌تر را برای حکومت محدود نموده است. در طول چند سال گذشته مواردی از این قبیل را در برزیل، بلغارستان، تونس و ترکیه دیده‌ایم. اگرچه تمایل کلی برای دموکراسی در حال رشد است، اما همیشگی قابل توجه این فعالیت‌های سیاسی در کنار یکدیگر جهان را به سوی لیبرال دموکراسی نمی‌برد. چشمگیرترین نمود این نکته، بهار عربی است که با استقبال اروپایی‌ها مواجه شد اما باعث آزادسازی مواردی سیاسی شد که در بسیاری از موارد برای اتحادیه اروپا چالش برانگیز بود. اگرچه این انقلاب‌ها تا حد زیادی مربوط به امور داخلی می‌شد اما بخش اصلی "منزلت" آنها اعلام رهایی از نفوذ خارجی است.

بنابراین تعهد اروپا به ارزش‌های لیبرال و حقوق بشر گاهی اوقات آن را در برابر افکار عمومی قرار می‌دهد. در مقایسه با کشورهای کمونیستی داخل اروپا در ۱۹۹۰ تمایل کمی در کشورهای جنوب دریای مدیترانه برای اتخاذ استانداردهای اروپایی وجود دارد. در واقع، بسیاری از کشورهای منطقه به خصوص مصر و الجزایر، به جای پیروی از هنجارهای اروپایی به شدت می‌خواهند از استقلال خود محافظت کنند و خود را از سلطه خارجی و علی‌الخصوص غربی که پس از بحران یورو کمتر خوشایند هستند، برهانند. به عنوان مثال، در مصر، نه نظامیان هنجارهای غربی را پذیرفته‌اند و نه اخوان المسلمین؛ و لیبرال‌های این کشور که مجبور به انتخاب از بین گزینه‌های ناخوشایند هستند، به نظر می‌رسد از نظامیان حمایت کرده‌اند.

در این موقعیت جدید، ایده قدرت نرم

ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که زیگیو برژینسکی آن را "بیداری سیاسی جهانی" نامیده است و توانایی نخبگان مسن‌تر را برای حکومت محدود نموده است

